

درآمدی بر برنامه‌ریزی خط و نگارش



دکتر نگار داوری اردکانی

دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه بهشتی

برنامه‌ریزی خط و نگارش از جمله انواع برنامه‌ریزی بیکره‌ی زبان است که به گونه‌ی نوشتار زبان مربوط می‌شود. مرور برنامه‌ریزی زبان در جوامع و ملل مختلف نشان می‌دهد که عمده‌ی مباحث مطرح‌شده در این حوزه، به موضوع «خط‌سازی» مربوط می‌شود. خط‌سازی یعنی قرارداد استفاده از یک نظام نوشتاری یا وضع یک نظام نوشتاری جدید برای زبانی که تاکنون صرفاً دارای یک گونه‌ی شفاهی بوده است. امروزه این فرآیند معمولاً برای زبان‌های بومی در معرض خطر دارای شأن اجتماعی، اعمال می‌شود و در واقع راهکاری برای زنده نگه داشتن زبان‌ها، تضمین بقا و ثبت آن‌هاست. بالطبع می‌توان پیش‌بینی کرد که یکی از کانون‌های تمرکز در فرآیند خط‌سازی در دنیای امروز، موضوع سهولت و اقتصادی بودن نظام‌های نگارشی خواهد بود و این مهم، مسئله‌ی در انداختن طرحی نو برای رسیدن به کارآمدترین نظام‌های خطی و نگارشی را به ذهن متبادر می‌نماید و البته پژوهش‌های اندکی در این خصوص انجام شده است. یکی از اقتصادی‌ترین نظام‌های واجی/آوایی و به تبع آن، از جمله نظام‌های الفبایی/خطی کوچک موجود، مربوط به گویش مرکزی روتوکاس است که دارای یازده واج (پنج واکه و شش همخوان) است. روتوکاس دوازده حرف دارد (A, E, I, G, K, O, P, R, S, T, U) و حدوداً ۴۳۰۰ نفر به این زبان پاپایان شرقی صحبت می‌کنند. گویشوران این زبان در استان بوگان ویل گینه نو زندگی می‌کنند. اما این سؤالات همچنان مطرح است که چرا زبان‌های مختلف به حداقل حروف/نویسه‌های لازم برای نمایش مکتوب خود اقدام نکرده‌اند؟ حداقل واج‌های لازم برای تشکیل یک نظام زبانی چیست؟ بزرگ‌ترین مجموعه‌ی حروف الفبا را زبان خمر (Khmer) داراست که ۷۴ حرف دارد. این زبان استرالیایی-آسیایی زبان رسمی کامبوج است و دوازده میلیون نفر به این زبان سخن می‌گویند. پُروج‌ترین زبان، زبان خو (XŌŌ) است که ۱۱۲ واج دارد. حدود ۴۲۰۰ نفر به این زبان صحبت می‌کنند و این گویشوران در نبروانای آفریقا زندگی می‌کنند. علاوه بر مورد خط‌سازی که به آن اشاره شد، امروز در برخی زبان‌ها، برنامه‌ریزان زبان اقدام به اعمال اصلاحاتی جزئی در نظام‌های نگارشی خود، با توجه به نقش‌های ارتباطی آن‌ها و نیز تسهیل کاربردهای رایانه‌ای می‌نمایند. با این حال، با توجه به اهمیت اصل «آشنایی» در کاربرد قراردادهای زبانی (اعم از گفتاری و نوشتاری) و به بیان دیگر، نامطلوب بودن «آشنایی زدایی» در کاربرد زبان‌ها، ایجاد تغییر و تحول مداخله‌ای در نظام‌های گفتاری و نوشتاری زبان‌ها توصیه نمی‌شود، مگر به ضرورت‌هایی قطعی و یقینی. البته در دوران معاصر، تغییر و حتی تعویض خط با انگیزه‌های قوی سیاسی-اجتماعی انجام شده است و نمونه‌های بارز آن، تعویض خط ترکی و خط فارسی در تاجیکستان است. تعویض خط بی‌تردید دسترسی به منابع گذشته را ناممکن یا لاقابل دشوار و هزینه‌بر می‌نماید. در صورتی که متون قبلی به خط جدید برگردانده نشوند، موارث فرهنگی به انزوا می‌روند و در واقع شکاف فرهنگی حادث خواهد شد و ممکن است گروه‌هایی به‌عمد برای قطع دسترسی عموم به منابع پیشین و ایجاد تحولات انقلابی ناگهانی، اقدام به تغییر خط نمایند. به هر روی، اقدام به تعویض خط، چنان‌که اشاره شد، عمدتاً با اهداف ایدئولوژیک دنبال می‌شود و بنابراین چنان‌که در کتاب «سره‌گرایی زبانی» (۱۳۸۷) اشاره کرده‌ام، این فرآیند براساس تعریف مطلوب و نامطلوب صورت می‌پذیرد و معمولاً با اهداف عاطفی و نه عقلانی، انجام می‌شود. امروز لازم است هر اقدامی برای برنامه‌ریزی زبان، با در نظر گرفتن ملاحظات نقشی (یعنی با توجه به پیامد برنامه‌ی مورد نظر در ارتقای نقش‌های ارتباطی زبان‌ها از ابعاد گوناگون) و لحاظ نمودن اقتصادی بودن فرآیند صورت گیرد. به این ترتیب، با توجه به جایگاه عاطفی‌ای که خط و زبان فارسی در میان ایرانیان دارد (داوری، ۱۳۸۴) طرح موضوع تغییر/تعویض خط فارسی بی‌وجه است. حفظ موارث مکتوب ادبی و فرهنگی برای ایرانیان، اولویت و اهمیت ویژه‌ای دارد که از مهم‌ترین دلایل بی‌وجه بودن طرح موضوع تعویض خط به‌شمار می‌رود. پیشنهاداتی برای اصلاح خط فارسی ارائه شده که اگرچه در جهت اقتصادی‌تر نمودن خط است (مانند حذف چند نویسه برای یک آوای واحد)، پدیده‌ای است که در اکثر خط‌های جهان وجود دارد و منحصر و مخصوص به خط فارسی نیست؛ گویی که حدی از حشو در نظام‌های زبانی (اعم از سطح واجی/آوایی، صرفی/واژگانی، نحوی و معنایی) قابل تحمل و پذیرش و شاید هم طبیعی و لازم است. اما نکته‌ی مهمی که امروز از منظر برنامه‌ریزی خط نیازمند توجه و تمرکز ویژه است، موضوع معیارسازی خط فارسی است. با توجه به ضرورت کاربرد هرچه گسترده‌تر خط فارسی در نظام‌های رایانه‌ای، معیارسازی و یکنواخت‌سازی نویسه‌ها و املا و نگارش در زبانی و طبقه‌بندی اطلاعات، ضروری و مفید است. ▲

* Familiarity